

بازنمایی عناصر هویت بخش شهری در سفرنامه‌ها:

(مطالعه مقایسه‌ای تهران و شهرستان‌های استان تهران^۱)

سیدسعیدرضا عاملی^۲

منیژه اخوان^۳

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۶

چکیده

در این مقاله عناصر هویت بخش شهری استان تهران در سفرنامه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد و محوریت بر نمادهای شهرسازی و معماری خواهد بود. از سویی، بازنمایی نمادین شهر اهمیت زیادی در هویت بخشی شهر دارد و از سوی دیگر، استان‌ها و شهرهای خاص مثل استان تهران و شهر تهران جایگاه نمادینی برای هویت کشور و انعکاس ایران معاصر داشته و در نقطه‌ای نزدیک‌تر به ایران امروز قرار دارد. با این نگاه بازنمایی ایران در سفرنامه‌ها به نوعی منعکس کننده امیدها و ناامیدهای هویت شهری است که از این منظر هم موضوع مطالعات فرهنگی شهر است و هم به نوعی، عرصه بازنمایی فرهنگ و هویت شهر را تصویر می‌کند. سفرنامه‌ها از سویی، مروری است بر وضعیت راه‌ها و جاده‌ها، شهرسازی و معماری، میداين و مبلمان شهری و از سوی دیگر نگاه نویسنده را نسبت به مردم، روابط اجتماعی، گفتگوها، ضرب‌المثل‌ها و فرهنگ عامیانه بیان می‌کند. نگاه ما در این مقاله، تمرکز بر عناصر هویت شهری است که در سفرنامه‌ها توصیف شده است. بر این اساس، در این مقاله با مطالعه ۲۴ سفرنامه که توسط سفرنامه‌نویسان داخلی و خارجی نوشته شده، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، مطالعه بازنمایی عناصر و نمادهای هویت بخش استان تهران انجام شده است. مقولات عناصر و نمادهای هویت بخش شامل بناهای محوری، شهرسازی و سیاست‌های مربوطه، نمادهای فرهنگی، رسانه‌های شهری و مبلمان شهری است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بازنمایی استان تهران در سفرنامه‌ها، با دوئیت‌های شرق در برابر غرب، مناطق بالای جامعه در برابر مناطق پایین و یا شهر تهران در برابر شهرهای دیگر استان، کشور یا حتی جهان صورت گرفته است. کلمات کلیدی: هویت، هویت فرهنگی شهر، خاطره شهری، حافظه فرهنگی شهری، سفرنامه.

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «مطالعه بین رشته‌ای عناصر هویت بخش استان تهران در پرتو توجه به مدل‌های راهبردی شهرسازی و معماری مراکز دولتی و فضاهای عمومی شهرهای استان تهران و طراحی الگوی نهادهای اجتماعی ضروری در شهرها و روستاهای استان تهران از نگاه اسلام با رویکرد دینی و اجتماعی» است که توسط دکتر سعیدرضا عاملی و تیم همکاران انجام شده است.

استاد گروه ارتباطات و مطالعات آمریکای شمالی دانشگاه تهران، ssameli@ut.ac.ir

مقدمه

توجه به موضوع ارتباط میان مکان و هویت به دلیل تغییرات کلان در شهرها از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در ارتباط با شهر به مثابه یک مکان، مطالعه عناصر هویت‌بخش شهری در بستر متن فرهنگی، ضرورت تبیین مفهوم‌شناسانه هویت، هویت مکانی، هویت شهری و هویت فرهنگی شهر و بازساخت روابط میان آنها را مطرح می‌کند. به دلیل اهمیت رسانه‌ها در به تصویر کشیدن سیمای شهری و شکل‌دهی و یا جهت‌دهی به نگرش و تصور شهروندان از محل زندگی خود، در این مقاله بر سفرنامه‌ها به عنوان یکی از رسانه‌های دست اول تأکید شده و استان تهران نیز به دلیل مرکزیت آن از دوره قاجار که هم‌زمان با گسترش سفرنامه‌نویسی در این مقطع زمانی بوده، انتخاب شده است.

سفرنامه‌نویسی در پهنه زبان فارسی سابقه‌ای طولانی دارد و به شکل نظم یا نثر به رشته تحریر درآمده است. از قدیمی‌ترین سفرنامه‌ها می‌توان به سفرنامه ناصرخسرو اشاره کرد که حاصل دیده‌ها و شنیده‌های وی از چندین سال سفر به نقاط مختلف است. همچنین اولین سفرنامه‌ای که توسط سفرنامه‌نویسان خارجی در مورد ایران نوشته شده، سفرنامه کلاویخوی اسپانیایی است که در سال ۸۰۶ ه.ق به دنبال مأموریت وی در ایران نوشته شده و در آن شهرها و اوضاع جغرافیایی و اقتصادی ایران تشریح شده است (پناهی، ۱۳۸۸: ۶۱). اما سفرنامه‌نویسی به‌طور جدی در دوران صفویه با گسترش روابط ایران و کشورهای اروپایی مورد توجه قرار گرفت و در دوران قاجار به اوج خود رسید. از نخستین سفرنامه‌هایی که توسط سفرنامه‌نویسان خارجی در مورد ایران نوشته شده، می‌توان به *سفر به ایران و هند شرقی* نوشته ژان شاردن اشاره کرد. سفرنامه‌نویسان ایرانی نیز با رویکردهای مختلف به نگارش مشاهدات خود در قالب سفرنامه پرداخته‌اند. سفرنامه‌هایی چون *مسیر طالبی* نوشته میرزا ابوطالب اصفهانی به فرنگ و *حیرت‌نامه* یا *سفرنامه ابوالحسن خان ایلیچی* به لندن از اولین سفرنامه‌هایی به شمار می‌آید که حاصل مسافرت سفرنامه‌نویسان ایرانی به «فرنگ» است و در برخی از سفرنامه‌ها نیز مسافرت در درون کشور ایران، موضوع سفرنامه بوده که از آن جمله می‌توان به *یزد، شهر بادگیرها* نوشته جلال‌آل‌احمد اشاره کرد که با استفاده از قالب ادبی نوشته شده است. انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه از دیگر رویکردهایی است که سفرنامه‌نویسانی چون زین‌العابدین مراغه‌ای در کتاب *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ* بدان توجه داشته‌اند (محرمی، ۱۳۸۹).

سیاحان و سفرنامه‌نویسان مدعی تدوین تاریخ ایران نبوده‌اند، بلکه هدف بیشتر آنها آشنایی مردم مغرب زمین با فرهنگ و تمدن مردم ایران بوده است. سفرنامه‌ها به این جهت که از نظر محتوایی به موضوعاتی «صرفاً سیاسی» نمی‌پردازند، اهمیت و ارزش زیادی دارند. سفرنامه نویسان، اغلب به جهت موقعیت اجتماعی و سیاسی و مشاغلی که داشتند، به موضوعات مورد توجه خود اهمیت بیشتری می‌داده‌اند، بنابراین اغلب آگاهی‌های زیادی درباره اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری ضبط و ثبت می‌کرده‌اند.

از جمله مطالعات صورت گرفته در حوزه بازنمایی هویت تهران در سفرنامه‌ها می‌توان به مقالاتی چون «حضرت عبدالعظیم (ع) و شهرری در سفرنامه‌ها» (صادقی، ۱۳۸۲) و «وضعیت شهر تهران در عصر ناصری از دید سفرنامه‌نویسان خارجی» (دهقان‌نیری و عبداللهی، ۱۳۹۰) اشاره کرد. همچنین از پایان‌نامه‌های نوشته شده درباره این موضوع می‌توان از پایان‌نامه «اوضاع اجتماعی تهران عهد ناصری از نگاه سیاحان اروپایی» (گلزاده عسگری، ۱۳۸۴) نام برد. در این مقاله پس از تبیین مفهومی هویت، هویت شهری و هویت تاریخی شهر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، بازنمایی عناصر هویت‌بخش استان تهران در سفرنامه‌ها مطالعه می‌شود.

مفهوم هویت و هویت شهر به مثابه یک مکان

هویت به عنوان «محصول نیروهای فرهنگی و اجتماعی» (رابرتسون، ۱۳۸۲) تعاریف متعدد خود را از تنوع نیروهایی که ماهیتاً مکان‌محور و زمان‌محور هستند، برگرفته است. این امر دال بر مطلق نبودن این مفهوم و در نتیجه «نسبی بودن» آن بوده (نیچه به نقل از عاملی، ۱۳۹۰: ۲۰۳) و در کنار پیچیدگی و مناقشه‌برانگیز بودن آن، اجماع بر تعریفی مشترک از هویت را دشوار ساخته است. در سطحی کلان، هویت به معنای «یکی شدن»^۱ است، اما در جامعه‌شناسی «صرفاً یکی شدن خود نیست، بلکه یکی شدن با خود و دیگران است که توضیح دهنده هویت فردی و اجتماعی است» (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). هویت برخوردار از سه خصیصه «استمرار، تمایز و برجستگی» است و این بدان معناست که «فردیت هویتی فرد به سهولت تغییر نمی‌کند و همواره خود را در کنار دیگری نبودن می‌یابد» (عاملی، ۲۰۰۲). در عین حال، «هویت امری بامعنا و تأکید شده است که

¹ Sameness

ناظر بر ابعاد و اجزا خاصی از فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی است» (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۷۸). هویت از سویی، امری با معناست و فهم آن «منتزاع از منابع معناساز» است (گیدنز، ۲۰۰۱: ۲۱) و «منابع مشترک، همه افراد آن هویت مشترک را به هم وصل می‌کند» (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۸۱) و از سوی دیگر به معناسازی و سازماندهی معنا می‌پردازد و همین امر «دال بر ساختگی بودن آن» بوده (هوارت^۱، ۱۹۹۵، به نقل از گل‌محمدی، ۱۳۸۱) و «فرایندی بودن» آن را نشان می‌دهد. در واقع هویت به عنوان «خصوصیه ذاتی» مطرح نبوده، بلکه «محصول توافقات و عدم توافقات است» (جنکینز، ۱۳۸۱، به نقل از عاملی، ۱۳۹۰: ۱۷۷) و هرچند دارای «نقطه اتکا ارزشی» است که نوعی «حس مشترک» تولید می‌کند (عاملی، ۱۳۹۰: ۲۰۴)، اما شکل‌گیری آن در نقطه غیرثابتی صورت می‌گیرد؛ یعنی «جایی که داستان‌های وصف‌ناپذیر ذهنیت‌ها با روایت‌های تاریخ یک فرهنگ مواجه می‌شود» (کناکس و مارستون^۲، ۲۰۰۴: ۵۰۸) و این مواجهه در مکانی صورت می‌گیرد که پیوند با آن «شرط لازم برای انطباق، از میان برداشتن بحران‌های هویتی، ایجاد حسی از ثبات در جهان در حال تغییر و تسهیل فعالیت‌های زندگی» است (لویکا، ۲۰۰۸: ۲۱۱).

ارتباط میان هویت و مکان بر اساس دو روش قابل تبیین است: شیوه اول، «هویت‌یابی مکان» است که اشاره به هویت‌یابی بیان شده از سوی فرد با مکان او دارد و شیوه دوم، ارتباط مکان و هویت از طریق هویت مکانی تبیین می‌شود و بر اساس آن، «هویت مکان جنبه‌ای از هویت است» (تایگر-راس^۳ و اوزل^۴، ۱۹۹۶: ۲۰۵-۲۰۶). مفهوم هویت مکان هرچند به‌طور مستقیم نشئت گرفته از خصوصیات فیزیکی نیست، اما موجد ساختار اجتماعی است که در ادراک افراد و گروه‌ها یافته می‌شود (لالی^۵، ۱۹۹۲: ۲۹۱). در ارتباط با تجربه یک شهر، هویت مکانی منتهی به هویت شهری می‌شود. زمینه شهر به مثابه ظرفی فیزیکی است که در آن تعاملی مداوم و متقابل میان انسان‌ها و محتوای آن ظرف وجود دارد که به موجب آن منطق اجتماعی در ترکیب فضایی منعکس شده است (ستین^۶، ۲۰۱۰: ۳۱). در واقع می‌توان گفت شهرها هویت خود را از اثر و تعامل دوسویه محیط و انسان‌ها بر یکدیگر می‌گیرند. رویکردهای نظری هویت شهر را می‌توان در چهار سنت فکری دنبال کرد (لالی، ۱۹۹۲).

¹ Howarth

² Knox & Marston

³ Twigger-Ross

⁴ Uzzell

⁵ Lalli

⁶ Cetin

الف) رویکردهای شناختی: رویکردهای شناختی ریشه در روان‌شناسی محیطی، جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی شهری دارد، اما به‌طور سنتی، از سوی روان‌شناسان محیطی مورد استفاده قرار گرفته است. تلمن^۱ (۱۹۴۸) اولین کسی بود که فرضیهٔ بازنمایی‌های شناختی پیچیده (نقشه‌های شناختی) را به عنوان کانون رفتار فضایی مطرح کرد. این مفهوم شامل دو جنبه متفاوت بازنمایی مرتبط با جهت‌گیری^۲ و بازنمایی مرتبط با معنی^۳ است.

ب) رویکردهای پدیدارشناختی: این رویکرد اثر زیادی روی هویت مکانی دارد و تمرکز آن بر تحلیل تعامل تعدمی فرد و محیط است. رویکرد پدیدارشناختی متمایل به جنبه‌های توصیفی است و هدف آن توصیف ماهیت پدیده‌هاست.

پ) نظریات خود و مفهوم خود: مفاهیم خود-هویت ریشه در نظریات خود-مفهوم دارد و ریشه‌های نظری آن در نظریات تعامل نمادین و نظریات مفهوم خود دیده می‌شود. خود محصول فرایندهای تمایزسازی اجتماعی است که فرد را قادر به متمایز کردن خود از دیگران و محیط فیزیکی می‌کند. ابژه‌ها و مکان‌ها دارای معنا هستند که میان افراد و گروه‌هایی که با آنها در تعامل هستند، به اشتراک گذاشته می‌شود و بنابراین معنی میان ذهنی است.

ت) اثر جامعه‌شناختی: در این رویکرد می‌توان به مفهوم «فضای اجتماعی» که توسط دورکیم در سال ۱۸۹۳ مطرح شد، اشاره کرد. او مفهوم فضا را به عنوان «فرایند فرهنگی» تعریف کرده است. از نظر وی «موقعیت، آکنده از ارزش‌های همدردی است که بخشی از نظام ارزش اجتماعی را نشان می‌دهد».

در جهان مدرن، شهر فضایی پویاست که باید روح زندگی را تأمین کند. شهری که در کنار توسعه شهری خود به هویت تاریخی و گذشته خویش نگاهی نداشته باشد، به دلیل بی‌هویتی و نداشتن نمادهای تاریخی در طول زمان حذف خواهد شد (یوان^۴، ۲۰۰۵).

¹ Tolman

² Orientation-related

³ Meaning-related

⁴ Yuen

هویت تاریخی شهر

در مرکز جهان فیزیکی، شناخت گذشته محیطی فرد وجود دارد، گذشته‌ای که شامل مکان‌ها، فضاها و سایر بخش‌هایی است که در خدمت نیازهای بیولوژیکی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی اوست. این مکان‌ها دلالت بر جای خاصی همانند شهرها دارد که برای افراد یا گروه‌ها مهم بوده (یوان، ۲۰۰۵) و دارای معانی ضمنی جغرافیایی، اجتماعی و معماری است. بخشی از هویت تاریخی شهر را حافظه جمعی یا فرهنگی شهر و خاطره شهری شکل می‌دهد. این مفهوم در دهه ۱۹۳۰، به‌طور مستقل توسعه یافت و به عنوان «ابزاری برای تداوم و استمرار چستی خود از طریق نسل‌ها» به آن توجه شد. این مفهوم که با عنوان «حافظه فرهنگی» نیز شناخته شده، رفتار و تجربه را در چارچوب تعاملی جامعه جهت می‌دهد و از طریق نسل‌ها در فعالیت تکرار اجتماعی به دست می‌آید (آسمان^۱ و کاپلیکا^۲، ۱۹۹۵) و دارای خصوصیتی چون «تحکیم هویت^۳ یا رابطه با گروه، قابلیت بازسازی، شکل‌گیری، سازماندهی و تعهد» است (آسمان و کاپلیکا، ۱۹۹۵: ۱۳۰-۱۳۱). یک شهر با حافظه جمعی به معنای خاطره‌دار بودن آن شهر است. به عبارت دیگر، شهر بی‌خاطره، شهر بی‌هویت است (حبیبی، ۱۳۸۹). در واقع از طریق شناخت تاریخ شهر و اجتماعات آن تا زمان معاصر، می‌توان خاطره آن شهر را در ارتباط با گذشته آن شناخت؛ خاطره شهری که توسط تجارب افراد در آن فضا، تاریخ و محیط اجتماعی ساخته شده است.

از سوی دیگر، هویت فرهنگی شهر در ارتباط با عناصری که در حافظه شهری نگهداری می‌شود، ساخته می‌شود. «بناها، خیابان‌ها، میدان‌ها، سبک‌های شهرسازی، صنایع و خدمات صنعتی شهری منعکس‌کننده هویت‌های خاصی هستند و به نوعی فرهنگ خاصی را نمایندگی می‌کنند. در این روند، نام‌گذاری و تعیین‌های عینی و ذهنی صورت می‌گیرد که فرد و جامعه در روندی اجتماعی دست به رمزگشایی ذهنی از میراث محسوس فرهنگی خود می‌زند. در پرتو این روند نام‌گذاری فرهنگ و تمدن، «مای بزرگ هویتی شکل می‌گیرد» (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۹۹). از نظر بروک‌میر^۴ (۲۰۰۲: ۱۸) عینیت‌های بیرونی که دارای ابعاد خاصی هستند «فضای نمادین معنایی» تولید می‌کنند که حس‌های پراکنده افراد جامعه را به هم وصل می‌کند و افراد پراکنده

1 Assmann

2 Czaplicka

3 Concretion of identity

4 Brockmeier

در بخش‌های مختلف فرهنگی را به هم پیوند می‌زند. چنین فضایی در افراد، نوعی حس انس و آشنایی ایجاد کرده و حس تعلق و وابستگی به آن را تقویت می‌کند و حتی قدرت بازتولید حس خود را دارد. حس تعلق به شهر شامل «اعتقادات فرهنگی و فعالیت‌هایی است که انسان را به محل زندگی خود پیوند می‌دهد» (کراس^۱، ۲۰۰۱) و نوعی از «پیوند عاطفی تعریف می‌شود که افراد در ارتباط با مکان زندگی، یعنی جایی که ترجیح می‌دهند در آن بمانند و احساس راحتی و ایمنی کنند را گسترش می‌دهند» (هرناندز^۲ و دیگران، ۲۰۰۷). چنین حسی از طریق «تأثیر متقابل اثرات، احساسات، دانش، باورها، رفتارها و کردارها» بیان می‌شود (آلتمن^۳ و لو^۴، ۱۹۹۲) و زمانی افزایش می‌یابد که شهر توسط شهروندان شناخته شده و مهم باشد و شرایط برطرف شدن نیازهای آنها وجود داشته باشد و شهر پشتیبان امیدهای شهروندان باشد (لاپگارد^۵، ۲۰۰۷). خصیصه عمده حس تعلق خاطر به شهر «تمایل به نزدیک بودن به آن» است که حس خاصی را به آن به وجود می‌آورد (هیدالگو^۶ و هرناندز، ۲۰۰۱).

باید توجه داشت که در شهرها، فرهنگ و معنای فرهنگی از طریق «نمادهای بصری هویت بومی» عینیت پیدا می‌کند و بازنمایی می‌شود و «در ذهنیت و عینیتی جمعی ظهور می‌یابد و قرار گرفتن روزمره در معرض علایم و نمادها و تکرار مشاهدات در کیفیت، ماندگاری و رمزگشایی پایدار تمدنی تأثیر می‌گذارد» (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

نمادهای هویت فرهنگی شهر

شناخت نمادها راهی برای دخول به طبیعت انسان است (هال، ۱۳۸۰) و عدم آشنایی با نمادها منتهی به عدم امکان برقراری ارتباط با دنیای پیرامون می‌شود. یونگ (۱۳۵۲) نماد را به عنوان «یک اصطلاح، یک نام یا حتی یک تصویر که ممکن است نماینده چیز مأنوسی در زندگی روزانه باشد و علاوه بر معنی آشکار و معمول خود، دارای معانی تلویحی بخصوصی است و سمبل معرف چیزی مبهم و ناشناخته یا پنهان از ماست» تعریف کرده است. در تعریفی دیگر از

¹ Cross

² Hernandez

³ Altman

⁴ Low

⁵ Lappegard

⁶ Hidalgo

این مفهوم که از سوی گوته و دیگران مطرح شده (به نقل از کریسپ^۱، ۲۰۰۵)، نماد به معنای «یک واحد مطلق از شکل و معنی با یک نتیجه نامحدود تأثیر پذیر از معنی» تعریف شده است. نمادها در درون زمینه اجتماعی بر اساس تغییر زمینه و کنش‌ها به وجود می‌آیند. آمد و رفت میان حوزه مادی و نمادین ثابت^۲ نیست (ویلیس^۳، ۲۰۱۰).

از دهه ۱۹۷۰ میلادی، با روشن شدن اهمیت معنای نمادین محیط در زندگی مردم، توجه به نمادهای شهری و مباحث «نمادگرایی و زیبایی‌شناسی» در شهرها بیشتر شد (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۶۰). نمادهای شهری که به عنوان «نمادهای عمومی» نیز نامیده می‌شود، «نمادهای همگانی هستند و با افراد رابطه آمد و شد دارند» (کولومبیجن^۴، ۱۹۹۳: ۶۱). نمادهای شهری نظام ارزش‌ها را نشان می‌دهد (ارهان^۵ و دیگران، ۲۰۰۶) و نمی‌توان آن را از بُعد فرهنگی متمایز کرد. به عبارت دیگر، فضای شهری که از سوی فرهنگ خاصی به وجود آمده، ارزش نمادین دارد. ارهان و همکاران وی (۲۰۰۶: ۲) توضیح می‌دهند «در صورتی که این محیط میراث فرهنگی عمومی باشد، می‌تواند پایدار و ماندگار بماند، اما در صورتی که کارکرد نماد از بین برود، در فضای جدید می‌تواند موجب تغییر فضا شود». معنای نمادها محدود به فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی هستند که آنها را به وجود آورده است، هرچند به نظر می‌رسد که بُعد خاصی از برخی نمادها اثری دارد که می‌تواند گستره بین‌المللی داشته باشد. علی‌رغم تنوع کلی تجارب انسانی به دلیل اختلافات فرهنگی، برخی تشابهات در تجربه انسانی وجود دارد و به خاطر تشابهات تجربی است که هنر یا ادبیات تولید شده در یک فرهنگ می‌تواند توسط فرهنگ دیگر یا در دوره تاریخی دیگری درک شود. در محدوده این تجارب مشترک، «نمادگرایی انباشتی» وجود دارد که می‌تواند به‌طور جهانی درک شود (کوک و مکی^۶، ۲۰۰۵: ۱۲). باید توجه داشت که نمادهای شهری از طریق حامل‌هایی به انتقال معنا می‌پردازند که در ادامه بدان توجه می‌شود.

روش‌شناسی

با توجه به موضوع این مقاله که مطالعه بازنمایی عناصر هویت‌بخش شهری استان تهران در سفرنامه‌هاست، سفرنامه‌های انتخاب شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مطالعه شده است. در این روش برخلاف سایر روش‌های تحقیق، اطلاعات از ابتدا در دسترس است و

¹ Crisp

² Set in stone

³ Willis

⁴ Colombijn

⁵ Erhan

⁶ Cooke and Macy

وظیفه محقق تهیه پرسشنامه‌ای است که با آن داده‌های موجود را شناسایی و تحلیل کند (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۲۹۹). در حوزه‌های مربوط به نمادهای هویتی شهری، تعیین مقولات و زیرمقولات در قالب حامل‌های نماد صورت می‌گیرد. مبتنی بر این روش، ابتدا با مطالعه مقدماتی از تعدادی از نمونه‌های آماری که در این مطالعه تعداد ۷ سفرنامه بوده، مقولات و زیرمقولات که شامل نمادها و حامل‌های نماد است، استخراج شدند و پس از آن کل نمونه آماری بر اساس این مقولات تحلیل گفتمان شده و گزاره‌های مربوط به هریک از حامل‌های نماد نیز در کادرهای مربوطه در قالب‌های مربوطه مشخص خواهد شد.

جدول شماره ۱: نمادها و حامل‌های نماد در سفرنامه‌ها

ردیف	مقولات (نمادها)	زیرمقولات (حامل‌های نماد)	گزاره‌ها
۱	رسانه‌های شهری	تزیینات و نوشته‌های دیواری	رجوع به قاب شماره ۱
۲	مبلمان شهری	روشنایی و نورپردازی شهری پارک‌ها منظر شهر	رجوع به قاب‌های ۲،۳،۴
۳	بناهای محوری شهر	بناهای یادبود موزه‌ها کاخ‌ها تکایا مساجد کلیساها امامزاده‌ها رستوران‌ها سازمان‌ها و نهادهای دولتی	رجوع به قاب‌های ۵،۶،۷،۸،۹،۱۰
۴	شهرسازی و سیاست‌های مربوطه	معايير عمومی	رجوع به قاب‌های ۱۱،۱۲
		ورودی و خروجی شهر	
		بازار، تجارت و صنعت	
		مراکز تفریحی	
۵	نمادهای فرهنگی	آداب و رسوم	رجوع به قاب ۱۳
		پیشینه تاریخی	

علت انتخاب سفرنامه به عنوان زمینه مورد مطالعه بر این اساس است که در این منابع ارزشمند، روایت‌ها و دیدگاه‌های افراد مختلف در ارتباط با جنبه‌های مختلف شهر بازنمایی شده و منبع دست اول محسوب می‌شود.

تحلیل محتوای سفرنامه‌ها بر اساس عناصر هویت بخش استان تهران

تحلیل محتوای سفرنامه‌های انتخاب شده بر اساس مقولات در نظر گرفته شده وزیرمجموعه‌های هر یک از آنها صورت می‌گیرد. بدیهی است که حجم بالای محتوای مربوطه در یک مقاله نمی‌گنجد و لذا در هر یک از مقولات سعی بر اختصار نویسی شده است.

۱) بازنمایی نماد رسانه‌های شهری

نماد رسانه‌های شهری می‌تواند با حامل‌های نمادی چون تزئینات شهری یا نقاشی و نوشته‌های دیواری مطالعه شود. اشاره به این نمادها تنها در سفرنامه و گت که در دوره معاصر نوشته شده، دیده می‌شود:

«نقاشی‌های دیواری در شهر اولین نشانه‌هایی است که قابل توجه هستند. این نقاشی‌ها حاوی پیام‌های انقلاب هستند... تصاویر آیت‌الله که با رنگ روغن نقش بسته‌اند، در سپیده صبح خودنمایی می‌کند. در اطراف صورت وی حلقه‌های گل وجود دارند. این تصاویر به عابرین سلام می‌دهند و یا به آنها هشدار داده و آنان را دعوت به شهادت می‌کنند... یکی از این تصاویر حلقه‌ای از گل لاله و حلقه دارد که یک گل لاله از آن آویزان است، دیده می‌شود... برخی از این نقاشی‌ها پرچم آمریکا را نشان می‌دهد که ستاره‌های آن تبدیل به اسلکت‌هایی شده‌اند و نوار قرمز آن نیز تبدیل به خمپاره‌های در حال فرود هستند و در زیر و روی آن شعار «مرگ بر آمریکا» به زبان انگلیسی و فارسی و با حروف بسیار درشت نوشته شده است... و جملاتی نظیر «نماز کلید بهشت است»، «خداوند بزرگ است»، «خداوند محبوب است» و یا فقط «خداوند» و یا «نماز» در همه جا دیده می‌شود، در همه اماکن عمومی تصاویر آیت‌الله خمینی (ره) در کنار رهبر مذهبی کشور (آیت‌الله) خامنه‌ای نصب شده‌اند و همچون یک اصل بامعنی و حساب شده تصاویر رئیس‌جمهور نیز چند سانتی‌متر پایین‌تر از تصاویر رهبر مذهبی کشور نصب شده است.»

قاب شماره ۱: بازنمایی تزئینات شهری و نقاشی و نوشته‌های دیواری شهر تهران در سفرنامه

وگت (۱۳۷۷: ۱۵-۱۶)

عدم توجه سفرنامه‌نویسان به نماد رسانه‌های شهری، کم اهمیت بودن این نمادها یا عدم وجود آن در استان تهران در دوره قاجار یا پهلوی، می‌تواند از جمله دلایل عدم بازنمایی رسانه‌های شهری در سفرنامه‌های مورد مطالعه باشد.

۲) بازنمایی نماد مبلمان شهری

مروری بر سفرنامه‌های انتخاب شده، بیانگر بازنمایی حامل‌های روشنایی‌های شهری و نورپردازی شهری، پارک‌ها و منظر شهری به عنوان حامل‌های نماد مبلمان شهری است.

روشنایی و نورپردازی شهری

توصیف نورپردازی شب‌های شهر تهران در سفرنامه‌هایی چون سفرنامه گوینو (۱۳۸۸: ۹۲) و سرنا (۱۳۶۳: ۴۳) اشاره شده است. در سفرنامه یوشیدا ماساهارو در این باره نوشته شده است:

«ناصرالدین‌شاه خواست که چراغ‌گاز هم برای تهران بیاورد. اما این کار خیلی گران تمام می‌شد ... پس به جای گاز، داد تا در خیابان‌ها چراغ فانوسی و شمع‌سوز کار گذاشتند ... اما شمع‌ها زود تمام یا خاموش می‌شد و تاریکی باز همه جا را فرا می‌گرفت. پول شمع‌ها از خزانه دولت و بیت المال داده می‌شد.»

قاب شماره ۲: بازنمایی روشنایی و نورپردازی شهر تهران در سفرنامه ماساهارو (۱۳۷۳: ۱۷۴)

در این سفرنامه‌ها، به سیستم روشنایی شهر تهران در شب اشاره شده که از طریق چراغ‌گاز یا شمع و فانوس انجام می‌شده است. همین‌طور به منبع تأمین بودجه برای روشنایی شهر و یا تدابیری برای روشن نگه داشتن شهر در شب نیز در این سفرنامه‌ها اشاره شده است.

پارک‌ها

بازنمایی پارک‌های استان تهران تنها در سفرنامه وگت (۱۳۷۷: ۱۴) به چشم می‌خورد که در این سفرنامه، سفرنامه‌نویس تنها به دو پارک در شهر تهران (پارک ملت) و در شهرستان شمیرانات (پارک جمشیدیه) اشاره داشته و با رویکرد زیباشناسانه به توصیف زیبایی‌های آن پرداخته است.

منظر شهری

توجه به منظر شهری در بیشتر سفرنامه‌های مطالعه شده، به چشم می‌خورد. در تعدادی از این سفرنامه‌ها به منظر شهر تهران، شهری، ورامین و سایر شهرها و روستاهای استان تهران اشاره شده است.

منظر شهری تهران: در سفرنامه‌های مختلف، از دیدگاه‌های متفاوتی به منظر شهر تهران پرداخته شده است. برخی از سفرنامه‌نویسان مانند پولاک (۱۳۶۱: ۶۰) به موقعیت جغرافیایی شهر تهران توجه داشته‌اند. بازنمایی منفی از منظر شهر تهران در نوشته‌های برخی از سفرنامه‌نویسان چون سکویل-وست به چشم می‌خورد.

«خود تهران، از بازارهایش که بگذریم هیچ جاذبه‌ای ندارد. شهری است زنده، پر از کوچه‌های بد و انباشته از زباله و سگ‌های ولگرد. درشکه‌های بدریخت که اسب‌های بدبختی به آنها بسته شده، چند ساختمان با ادعای زیادی، و خانه‌های فلک زده‌ای که به نظر می‌رسد هر لحظه‌ای فرو می‌ریزد. اما همین که از شهر بیرون می‌روید همه چیز عوض می‌شود. از یک سو شهر تهران درون حصار گلی‌اش زندانی شده و حومه‌ای بر آن افزوده نشده که شهر را گسترش دهد. شهر است و بیرون آن ده و طبیعت. از سوی دیگر شهر آنچنان در پستی قرار دارد که از دور به سختی دیده می‌شود. همچون تکه بزرگی از سبزه به چشم می‌آید با سجافی از دود آبی رنگ. من آن را شهر می‌خوانم اما تهران یک ده بسیار بزرگ است.»

قاب شماره ۳: بازنمایی منظر شهری شهر تهران در سفرنامه سکویل-وست (۱۳۷۵: ۹۲)

در مقابل، در برخی دیگر از سفرنامه‌ها همانند سفرنامه کروسینسکی (۱۳۶۹: ۱۵۱) بازنمایی مثبتی از منظر شهر تهران صورت گرفته است.

منظر شهری شهری: علاوه بر تهران، در برخی از سفرنامه‌ها منظر شهری شهرهای دیگر استان تهران بازنمایی شده است. ابودلف در سفرنامه خود می‌نویسد:

«در وسط ری نیز شهر عجیبی با دروازه‌های آهنی و باروی عظیم وجود دارد. این شهر یک مسجد جامع دارد و نیز در وسط آن کوه بلندی است که بر فراز آن دژ محکمی برپا می‌باشد که «رافع بن هرثمه» آن را بنا نموده و اکنون ویران شده است. در نزدیکی این شهر کوهی به نام طبرک واقع است. این کوه مشرف بر شهر است و در آن ساختمان‌های قدیم ایرانی و تابوت‌های سنگی^۱ موجود است و نیز در آن معدن‌های طلا و نقره یافت می‌شود، ولی درآمد آن کفاف هزینه‌اش را نمی‌نماید. در جهت شرقی ری مکانی است به نام جلیل آباد که ساختمان‌ها و ایوان‌ها و تاق‌های بلند و استخرها و گردشگاه‌های زیبا و عجیبی دارد و مرداویج آن را بنا نموده است. هر کس این آثار را می‌بیند، بدون تردید گمان می‌کند از ساختمان‌های قدیم خسروی می‌باشد. در این مکان زندان بزرگ و هولناکی وجود دارد که اطراف آن را دریاچه بسیار عمیقی فراگرفته و بر بالای آن یک دژ محکم گلی بر روی یک ایوان خاکی برپا می‌باشد. این دژ به قدری محکم است که نقب آن برای راه یافتن به خارج غیرممکن است و هیچ تباہکاری نمی‌تواند با توسل به هر گونه حيله از آنجا رهایی یابد. در ری قریه‌ای است به نام قصران که شامل کوه‌های بسیار بلند و مرتفع است و چنانچه مردم آن از فرستادن خراج برای شاه خودداری کنند، نسبت به آنها کاری نمی‌تواند بکند. در عین حال، نزد فرمانروای ری وثیقه‌هایی دارند. بیشتر میوه‌جات ری از این کوهستان تهیه می‌شود. در ری فصل گل چهار ماه است. در آنجا زردآلود و گوجه بیش از اندازه مصرف می‌شود. در ری چشمه‌های معدنی کوچک که برای معالجه جرب مفید است و همچنین معدن‌های نهانی و استفاده نشده موجود است. زمین ری به کوه‌های «بنی‌قارن» و «دنباوند» (دماوند) و کوه‌های دیلم و طبرستان متصل است».

قاب شماره ۴: بازنمایی منظر شهری شهرری در سفرنامه ابودلف (۱۳۴۲: ۷۲-۷۵)

علاوه بر شهر تهران و شهرری، منظر شهری برخی دیگر از شهرها و روستاهای استان تهران در تعدادی از سفرنامه‌ها به چشم می‌خورد. منظر شهری دماوند در سفرنامه ابودلف (۱۳۴۲: ۷۶) دیده می‌شود، سرجان‌ملکم (به نقل از هالینگبری، ۱۳۶۳) نیز در بخشی از سفرنامه خود به اطراف تهران و روستاهایی مانند رشته، اشتهاارد، سکزآباد، کلاه‌دره، عشرت‌آباد، بستانک و چال اشاره کرده است. در کتاب «خاطرات لیدی شیل» (۱۳۶۲: ۱۳۹-۱۴۱) نیز از شهر ورامین و شهر قدیمی راگس نام برده شده است. سدیدالسلطنه (۱۳۶۲) نیز در سفرنامه خود به شهرهای خاتون

^۱ نوایس جمع ناووس به معنای تابوت سنگی است و مینورسکی باشتباه آتشکده‌ها Fire-temples ترجمه کرده

آباد و شریف‌آباد توجه داشته و بارون فیودورکوف (۱۳۷۲: ۲۴۱) نیز به توصیف شمیرانات پرداخته است.

در مجموع، در ارتباط با نماد منظر شهری استان تهران مشاهده می‌شود که یا موقعیت جغرافیایی شهر مطرح شده که با اختلاف کمی، مشابه یکدیگر هستند و در پاره‌ای موارد بر اساس مقایسه با سایر شهرها بوده است. اما برخی دیگر از سفرنامه‌نویسان، به بازنمایی منفی شهر تهران پرداخته‌اند و دیدگاهی منفی به این شهر دارند. در مقابل، برخی دیگر، رویکرد مثبتی به شهر تهران دارند و در توصیف آن، به بازنمایی جنبه‌های خوشایند و مثبت این شهر پرداخته‌اند.

۳) بازنمایی نماد بناهای محوری

نماد بناهای محوری شهر در سفرنامه‌های مورد مطالعه بر اساس حامل‌هایی مانند بناهای یادبود، موزه‌ها، کاخ‌ها، تکایا، مساجد، کلیساها، امامزاده‌ها، رستوران‌ها و دوایر دولتی استان تهران بازنمایی شده است.

بناهای یادبود

در سفرنامه‌های مطالعه شده، به بناهای یادبود شهری و همین‌طور شهریار اشاره شده است. بارون فیودورکوف در سفرنامه خود در توصیف بناهای یادبود شهری می‌نویسد:

«در طرف دیگر تهران، یعنی در هشت ورستایی جنوب شرقی باروی شهر، خرابه‌های شهر معروف ری واقع است ... هیچ جای شبیه نیست که ری یکی از بزرگ‌ترین شهرهای آسیا بوده است. با اینکه خرابه‌های ری در مسافتی بسیار زیاد پراکنده است، ولی کمتر ویرانه‌ای به صورتی باقی مانده است که بتواند عظمت شهر در ادوار گذشته باشد. فقط یک برج بیست و چهار گوشه نسبتاً سالم مانده است و نمی‌توان فهمید این برج به درد چه کاری می‌خورده است، زیرا از بالا تا پایین آن حتی یک پنجره هم وجود ندارد. در یکی از صخره‌های مشرف به شهر، سبگ بزرگی جلب توجه می‌کند: زمانی روی آن سنگ نقش برجسته‌ای حجاری شده بوده که آن را به عهدی خیلی قدیم نسبت می‌داده‌اند. اکنون آن نقش برجسته دیگر وجود ندارد و تصویر دیگری جایگزین آن شده است. فتحعلی‌شاه مغفور روزی به ویرانه‌های شهری سیر و سیاحتی می‌کرده، چشمش به آن سنگ می‌افتد و فکر بکری به مغزش خطور می‌کند که نقش باستانی را بتراشد و حذف کند و به جای آن نقش خود را سوار بر اسب حکاکی کند.»

قاب شماره ۵: بازنمایی بناهای یادبود شهری در سفرنامه بارون فیودورکوف (۱۳۷۲: ۲۱۴-)

همین‌طور در کتاب «آثار ایران» اثر آندره گودار و ماکسیم سیرو (به‌نقل از هژبری و فرجی، ۱۳۸۶: ۴۲) در مورد آثار و بناهای تاریخی ایران زمین، به این نکته برمی‌خوریم که مؤلفین این کتاب تعدادی از بناهای تاریخی شهریار از جمله تخت‌رستم و تخت‌طاووس را مطالعه کرده‌اند. همین‌طور نبود آثار و بناهای یادبود در شهر تهران از دیگر موضوعاتی که از سویی، در عدم بازنمایی آن از سوی سفرنامه‌نویسان می‌توان به‌طور ضمنی دریافت و از سوی دیگر توسط برخی از سفرنامه‌نویسان مانند ژوبر (۱۳۴۷: ۲۵۴) و براون (۱۳۸۹: ۱۰۰) مطرح شده است.

موزه‌ها

به موزه سلطنتی شهر تهران در برخی از سفرنامه‌ها اشاره شده است. بروگش (۱۳۷۴: ۱۰۳) در سفرنامه‌های خود به توصیف این موزه توجه داشته و در ارتباط با آثار باارزش و حتی آثاری با ارزش کمتر توضیحاتی را مطرح کرده‌اند.

کاخ‌ها

پایتخت بودن تهران در گسترش کاخ‌ها و اقامتگاه‌های این استان اثرگذار بوده و در تعداد زیادی از سفرنامه‌ها، توصیف کاخ‌هایی چون ارک، نگارستان، لاله‌زار، عشرت‌آباد، سلطنت‌آباد، دوشان تپه، صاحبقرانیه، سرخه‌حصار، قجر، گلستان و خانه‌های بیلاقی به چشم می‌خورد. در این توصیفات ابعاد مختلفی از کاخ معماری، نقاشی، آینه‌کاری، نقش و نگارها و تزیینات داخلی گرفته تا موقعیت جغرافیایی و حتی زشتی‌های کاخ‌ها مورد توجه بوده است.

«قصر عشرت‌آباد به وسیله ناصرالدین‌شاه بنا شده است. اینجا نیز برج چندطبقه‌ای قرار داشت که در قسمت مرکزی آن اندرون کاملاً شبیه به اندرونی قصر سلطنت آباد ولی با ساختمان‌های دایره‌وار واقع شده بود. این ساختمان‌ها را در میان پارک بزرگی مجزا از هم ساخته بودند. به استثنای آینه‌کاری یک تالار بزرگ، تزیینات سایر اطاق‌ها تقلید نفرت‌انگیزی از سبک اروپایی بود»

قاب شماره ۶: بازنمایی قصر عشرت‌آباد در سفرنامه اورسل (به‌نقل از نوربخش، ۱۳۸۰: ۱۲۹۰)

همچنین برخی از سفرنامه‌نویسان به تقلیدی بودن تعدادی از کاخ‌های تهران مانند کاخ عشرت‌آباد یا سلطنت‌آباد توجه داشته و بازنمایی جنبه‌های منفی کاخ‌ها نیز مورد توجه برخی از

سفرنامه‌نویسان بوده است.

تکایا

برگزاری مراسم مذهبی در تکایا و توصیف آن از جمله موضوعات مورد توجه برخی از سفرنامه نویسان بوده است. اشاره به این حامل نماد در سفرنامه‌های مختلفی از جمله سفرنامه پولاک به چشم می‌خورد:

«تعداد تکایا که عبارتند از فضاهایی کوچک، چهار گوش و با دیوارهای آجری به نحوی چشمگیر زیاد است. در تکیه‌ها در ماه محرم تعزیه برگزار می‌شود. بر تعداد تکایا در اثر موقوفات و اعانه‌های مذهبی روز به روز افزوده می‌شود، ولی از نظر بنا و ساختمان چیز قابل توجهی نیستند».

قاب شماره ۷: بازنمایی تکایای شهر تهران در سفرنامه پولاک (۱۳۶۱: ۶۷)

در بازنمایی تکایاهای تهران، ابعاد مختلفی چون تعداد تکایا، معماری، تزیینات داخلی و بخش‌های مختلف آن به عنوان مثال تفکیک جایگاه زنان، مردان و درباریان؛ منابع مالی ایجاد آنها مورد توجه سفرنامه‌نویسان قرار گرفته است.

مساجد

توجه به مساجد تهران و بازنمایی آنها در ابعاد مختلفی چون معماری، تزیینات یا تعداد آنها از دیگر جنبه‌های مورد توجه برخی از سفرنامه‌نویسان مانند بروگش (۱۳۷۴: ۲۱۲) است. علاوه بر تعداد، در برخی از سفرنامه‌ها، مقایسه مساجد تهران با مساجد سایر شهرها صورت گرفته (جکسن، ۱۳۵۲: ۴۷۷) و در برخی دیگر توصیف جنبه‌های مختلف مساجدی مانند مسجد سپهسالار (دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۸۷) و مسجد شاه (بارون فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۲۰۶) انجام شده و مواردی چون بانیان مسجد، توصیف تزیینات داخلی، موقعیت جغرافیایی و همچنین کاربری و تغییر آن در طول زمان مورد نظر ایشان بوده است.

کلیساها

علاوه بر مساجد، کلیسا و بازنمایی آن از دیگر حامل‌های نماد مورد توجه سفرنامه‌نویسان بوده است. بارون فیودورکوف (۱۳۷۲: ۲۰۶-۲۰۷) به طور اجمال به توصیف معماری کلیساهایی که مشاهده کرده، پرداخته و اورسل (۱۳۵۳: ۱۱۲) نیز به توصیف کلیسای کاتولیک تهران و وسایل داخلی و نمای ظاهری این کلیسا توجه داشته است.

امامزاده‌ها

از جمله امامزاده‌های استان تهران که در سفرنامه‌های سفرنامه‌نویسان بدان توجه شده، می‌توان به حرم حضرت شاه عبدالعظیم (ع) در شهرری و امامزاده صالح (ع) در شمیرانات اشاره کرد. در بازنمایی امامزاده‌ها مواردی چون تزئینات داخلی (وگت، ۱۳۷۷: ۱۳)، باورها و اعتقادات مردم نسبت به حرم (لیدی‌شیل، ۱۳۶۲) و بخش‌های مختلف حرم (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۷۷-۱۷۸) مطرح شده است.

«در انتهای دالان طولانی بازار، حضرت عبدالعظیم که از جمله امامزاده‌های غیرقابل بحث و بلامنزاع در ایران و شاید مهمترین است، مدفون است ... این مکان مقدس هر روز مورد زیارت گروه‌های محدودی از زوار که از راه‌های دور و نزدیک می‌آیند، قرار می‌گیرد. در محوطه و صحن این محل، همه علم‌های مقدس تهران که با فانوس‌هایی تزیین شده‌اند و در عزاداری‌ها نقش مهمی دارند، دیده می‌شوند. در داخل حرم زوار از روی فرش‌های بسیاری عبور می‌کنند و به ضریح که از جنس طلا و نقره است، می‌رسند. دیوارهای بسیار تزیین شده و منقوش با خطوطی به رنگ آبی و فیروزه است»

قاب شماره ۸: بازنمایی حرم حضرت عبدالعظیم در سفرنامه وگت (۱۳۷۷: ۱۳)

همچنین در این سفرنامه‌ها باورهایی مختلفی چون ایمن بودن مجرمین در امامزاده‌ها نیز مطرح شده است.

رستوران‌ها

رستوران‌ها و هتل‌ها و قهوه‌خانه‌ها از دیگر مواردی هستند که توجه بدان از ابعاد مختلف، مورد نظر سفرنامه‌نویسان بوده است. آنها در بازنمایی این حامل‌های نماد به مواردی چون توصیف فضا، امکانات آنها، مدیریت، معماری و حتی مقایسه تفاوت میان نمونه‌های ایرانی و غیرایرانی قهوه‌خانه‌ها یا وجود نقاله‌ها در آنها توجه داشته‌اند.

«قهوه‌خانه‌های سنتی جنوب شهر نیز روح تازه‌ای گرفته‌اند. در طول سال‌های گذشته بسیاری از این مراکز ساخته شده‌اند که تعداد زیادی نیز دیدارکننده دارند ... این محل دارای یک نقاله است که برخی از اشعار، شاعر ملی، فردوسی را از روی کتاب شاهنامه که مربوط به قرن دهم، پانزده میلادی، است، می‌خواند»

قاب شماره ۹: بازنمایی قهوه‌خانه‌های شهر تهران در سفرنامه وگت (۱۳۷۷: ۱۴-۱۵)

سازمان‌ها و نهادهای دولتی

از جمله سازمان‌های دولتی مورد توجه سفرنامه‌نویسان می‌توان به سفارت‌خانه‌ها، بانک‌ها، مدارس و دارالفنون، بیمارستان‌های دولتی و ساختمان‌های دولتی اشاره کرد. ماساهاارو در توصیف مدرسه دارالفنون تهران می‌نویسد:

«پس از آنکه ناصرالدین‌شاه از اروپا برگشت، مدرسه سلطنتی (دارالفنون) را بنیاد کرد. این مدرسه شعبه‌های ادبیات، علوم و طب داشت و در این دوره به زبان خارجی تدریس می‌شد. شمار شاگردان این مدرسه در سال دیدار ما از ایران حدود ۶۰ نفر بود که در مقایسه با محصلان مدارس قدیمی ایران بسیار اندک است. عده محصلان مدرسه سلطنتی رو به فزونی نبود.»

قاب شماره ۱۰: بازنمایی مدرسه دارالفنون تهران در سفرنامه ماساهاارو (۱۳۷۳: ۲۱۰)

در مجموع، در ارتباط با حامل نماد بناهای محوری شهر مشاهده می‌شود که توجه به کاخ‌ها و توضیح جنبه‌های آن، هم از حیث تعداد سفرنامه‌نویسانی که بدان پرداخته‌اند و هم از نظر حجمی که به توصیف اختصاص داده‌اند، بیش از سایر موارد مذکور است. اما باید توجه داشت از آنجایی که بیشتر سفرنامه‌نویسان از مأموران دولتی بودند، در سفرنامه‌های خود به بازنمایی سازمان‌های دولتی که در مناطق بالای تهران وجود داشت، پرداخته اما اطلاعات زیادی درباره آنها مطرح نکرده‌اند.

۴) بازنمایی نماد شهرسازی و سیاست‌های مربوطه

توجه به خانه‌های شهر تهران و مصالح ساختمانی آن، وجود اختلاف در شهرسازی بالای شهر و پایین شهر تهران، تقلید از غرب و یا تلفیق آن با شیوه‌های شرقی خانه‌سازی و مواردی از این دست از جمله موضوعاتی است که مورد توجه سفرنامه‌نویسان بوده است. در این بخش نمادهای مربوط به این حامل نماد در سفرنامه‌های منتخب مطالعه می‌شود.

معابر عمومی

توصیف خیابان‌ها و کوچه‌های شهر تهران در بیشتر سفرنامه‌ها مشهود است و از میادینی چون توپخانه (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۰۲)، میدان شاه (دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۶۷)، سبزه‌میدان (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۶۶-۱۶۷) و میدان مشق (دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۶۷) نام برده شده است.

«از میدان‌های عمومی فقط در تهران یکی را می‌توان ذکر کرد و آن سبزه‌میدان است. این میدان در دوره سلطنت شاه فعلی ساخته و سطح و سنگ‌فرش شده است. دور تا دور آن دکان‌های زیبایی است که از صفا و ایوان احاطه شده و در بیننده تأثیری نیکو برجای می‌گذارد. بعضی از میدان‌های کوچک نیز هست که مخصوص فروش خواربار است یا از آن به صورت قبرستان استفاده می‌کنند.»

قالب شماره ۱۱: بازنمایی معابر عمومی شهر تهران در سفرنامه پولاک (۱۳۶۱: ۶۸)

همین‌طور در تعدادی از سفرنامه‌ها، توصیف موقعیت یا فضای ظاهری خیابان‌هایی چون لاله زار (خیابان دکتر تولوزان) یا علاءالدوله مطرح شده (براون، ۱۳۸۹: ۱۰۰)، در برخی به بهداشت و نظافت آنها اشاره شده (فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۲۴۰-۲۴۱)، برخی از سفرنامه‌نویسان به بخش‌های مختلف معابر توجه داشته‌اند (سرن، ۱۳۶۳: ۴۱)، برخی دیگر وسایل حمل و نقل عمومی مانند تراموا، درشکه، گاری یا حیوانات بارکش را وصف کرده‌اند (ماساها، ۱۳۷۳: ۴۸) و ترافیک و شلوغی شهر نیز مورد توجه عده‌ای از آنها بوده است (وگت، ۱۳۷۷: ۱۲).

ورودی و خروجی شهر

توجه به ورودی یا خروجی در تهران با رویکردهای مختلفی چون بازنمایی مثبت یا منفی (جکسن، ۱۳۵۲: ۴۷۴) یا توصیف جنبه‌های تزیینی آن (آنه، ۱۳۷۰: ۱۴۴)، تقلیدی بودن معماری (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۰۰) یا استحکامات آن (سرجان‌ملکم، به نقل از هالینگبری، ۱۳۶۳)، یا تعداد و اسامی ورودی‌ها و خروجی‌های تهران (پولاک، ۱۳۶۱: ۶۲) و جریان تردد و عبور و مرور (مادفون‌روزن، ۱۳۶۹: ۲۹) مورد توجه سفرنامه‌نویسان بوده است.

بازار، تجارت و صنعت

بازنمایی بازار، تجارت و صنعت استان تهران در سفرنامه‌ها از دریچه‌های مختلفی و با در نظر گرفتن ابعاد مختلفی صورت گرفته است. بازنمایی بازار شهر تهران بر اساس عرضه محصولات و فروشندگان (مادفون‌روزن، ۱۳۶۹: ۴۲)، معماری (ماساها، ۱۳۷۳: ۱۷۴)، گروه‌های مختلف بازاریان (فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۲۰۳) و بخش‌های مختلف آن (براون، ۱۳۸۹: ۱۰۱) بوده است.

«بازار یا بهتر بگوییم محله بازار تمام قسمت جنوب شهر را اشغال کرده است. از میدان توپخانه به وسیله کوچه‌های مختلف می‌شد به آنجا راه یافت ... بازار به تنهایی یک شهر بی‌کم و کاستی بود که در روز حدود بیست تا بیست و پنج هزار نفر را در خود جای می‌داد و کوچه‌ها، راهروها، میدان‌ها، چهارراه‌ها، مهمان‌خانه‌ها و مساجد مرتبی داشت. راهروی وسیع پیچ در پیچ سر پوشیده‌اش، زیر گنبد‌های آجری روزنه‌داری قرار گرفته بود و این روزنه‌ها طوری تعبیه شده بود که نور و هوا به داخل نفوذ می‌نمود.»

قاب شماره ۱۲: بازنمایی بازار شهر تهران در سفرنامه اورسل (۱۳۵۳: ۱۲۴)

صنعت نیز مورد توجه برخی از سفرنامه‌نویسان بوده است. پولاک (۱۳۶۱: ۶۰) به عدم وجود صنعت در تهران اشاره کرده و ابودلف (۱۳۴۲: ۷۵) نیز به صنعت پارچه‌بافی در شهر ری و مهارت ساکنین آن در قنات‌سازی توجه داشته است. همچنین در سفرنامه سدیدالسلطنه از کارخانه قندسازی در شهر ری نام برده شده است.

مراکز تفریحی

از جمله مراکز تفریحی که در سفرنامه‌ها بدان اشاره شده، می‌توان از کن، حرم شاه عبدالعظیم و دره‌ها و کوه‌های اطراف تهران نام برد که سفرنامه‌نویسانی مانند بروگش (۱۳۷۴: ۸۱) با رویکرد توصیفی به این مراکز توجه داشته‌اند.

۵) نمادهای فرهنگی

نمادهای فرهنگی استان تهران در سفرنامه‌ها از طریق حامل‌هایی چون تاریخ شهر و آداب و رسوم بازنمایی شده است که در این بخش بدان توجه می‌شود.

تاریخ شهر

توجه به پیشینه و قدمت تاریخی شهرهای تهران در برخی از سفرنامه‌ها بازنمایی شده است. از جمله به پیشینه شهر ری (لیدی‌شیل، ۱۳۶۲: ۱۳۳) و شهر تهران (جکسن، ۱۳۵۲: ۴۷۴) اشاره شده که در مورد شهر ری، آثار تاریخی این شهر دال بر قدمت آن است و در مورد شهر تهران نیز پیشینه این شهر و ویژگی ساکنین آن و همین‌طور اینکه این شهر زمانی بخشی از شهر ری بوده و در زمان قاجار با پایتخت شدن از آن جدا شده، مطرح شده است.

«در اطراف تهران محله‌های مخصوص برای گردش و سواری خیلی محدودند که از میان آنها، شهر ری در فاصله ۴ مایلی تهران، که از بقایای شهر قدیمی ری به جای مانده است، بیشتر از همه مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌طوری‌که ظاهر موجود نشان می‌دهد این شهر در زمان‌های پیشین عظمتی داشت و مشاهده بقایای خاک‌ریزهای مختلف، دیوارهای شکسته و سایر آثار بر جای مانده از زیست انسان‌ها دلیل بارزی بر اثبات این امر می‌باشد که از میان آنها دو برج که روی آنها عباراتی به خط کوفی نوشته شده و احتمالاً مناره‌های مسجدی بوده‌اند و قسمت‌هایی از یک باروی قدیمی بسیار بزرگ و همچنین تکه‌هایی از حصار شهر را می‌توان نام برد. شنیده‌ام این شهر از آثار اسلامی است که در حدود ۳۰ مایلی شهر راگس که احتمالاً از دوران باستان در غرب آن قرار داشته بنا گردیده است.»

قاب شماره ۱۳: بازنمایی تاریخ شهری در سفرنامه لیدی‌شیل (۱۳۶۲: ۱۳۳)

آداب و رسوم

آداب و رسوم مربوط به برگزاری مراسم عید نوروز در شهر تهران (فیودورکورف، ۱۳۷۲: ۲۳۴)، تأثیرپذیری فرهنگی از فرهنگ اروپایی (براون، ۱۳۸۶)، روحیه مردم در شهر تهران (مادفون روزن، ۱۳۶۹: ۴۲) و باورهای مردم شهر تهران و دماوند (ابودلف، ۱۳۴۲: ۷۴) از جمله موضوعات مورد توجه برخی از سفرنامه‌نویسان بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه سفرنامه‌ها با در نظر گرفتن رویکردهای نظری نویسندگان آنها می‌تواند در جهت‌یابی مسیر فکری محتوای موردنظر مؤثر باشد. از سویی، رویکرد صرفاً گزارشی و سفرنامه‌نویسان ایرانی در سفر به «فرنگ» در سفرنامه‌هایی چون حیرت‌نامه نوشته میرزاابوالحسن خان ایلچی مشهود است که تنها گزارشی از اوضاع اجتماعی و رونق و توسعه جامعه غرب و ظاهراً شیفتگی بدان بوده است. در مقابل، سفرنامه‌نویسان خارجی را مستشرقین (ادوارد براون)، سیاحان غربی (جکسن، دالمانی، ماسهارو)، سفرای غربی (بلوشر، گوینو، موریه) و سیاستمدارانی که از غرب به ایران آمده بودند (دوسرسی، فریزر (۱۳۶۴))، تشکیل می‌داند که علاوه بر توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی، دارای قدرت تحلیل مسائل سیاسی و نظامی بودند. سوگیری در نگارش سفرنامه‌ها و توجه تعددی مبتنی بر هدف به جنبه‌هایی خاص از ایران در آثار این سفرنامه

جیمز موریه، نایب سفیر انگلستان در ایران، دیده می‌شود که به زعم اوپس (۱۳۷۹) به عمد در تصویر معایب و مفاسد ایرانیان بی‌انصافی می‌کند. همچنین پیشداوری و حتی تسمخر باورهای مذهبی و رفتار ایرانیان و در مقابل، احساس خودبرتربینی و خودستایی نسبت به آنان در سفرنامه‌های هابی چون *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰* نوشته کنت دوسرسی یا سفرنامه لیدی شیل مشاهده می‌شود. در مقابل، برخی از سفرنامه‌نویسان مانند گوینو در ابعاد مختلفی چون روحیات، ادبیات، اقلیم و طبیعت با خوشبینی به ایران و ایرانیان نگریده‌اند. این رویکرد در سفرنامه ماسهاروی ژاپنی در ارتباط با فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان و سفرنامه کرزن نسبت به گذشته تاریخی ایران به چشم می‌خورد. همچنین ادوارد براون نیز به عنوان شرق‌شناس علاقه‌مند به ادب و فرهنگ ایران، در سفرنامه خود در نمایاندن ادبیات ایران به سایر کشورها سهم عمده‌ای داشته است.

توجه به نمادهای استان تهران از سوی سفرنامه‌نویسان مختلف بر اساس گفتمان‌های متفاوتی صورت گرفته است. بازنمایی منظر شهری تهران در برخی از سفرنامه‌ها مثبت و در برخی دیگر منفی است. در حالی که سفرنامه‌نویسانی مانند روزن به بازنمایی چهره مثبت و خوشایندی از شهر تهران پرداخته‌اند، افرادی مانند فریزر در سفرنامه‌های خود به بازنمایی منظر شهری ناخوشایند و نازیبا از شهر تهران پرداخته‌اند. اتخاذ چنین رویکرد دوگانه مثبت یا منفی در ارتباط با بازنمایی کاخ‌های استان تهران نیز وجود دارد. بازنمایی صورت گرفته از کاخ‌های استان تهران هر جایی که در آن از عناصر معماری یا تزئیناتی غربی بهره گرفته شده، منفی بوده است. حتی زمانی که سفرنامه‌نویسان به بازنمایی ورودی‌های شهر پرداخته‌اند، زمانی که به مؤلفه‌های معماری غربی برخورد کرده‌اند، دست از تمجید برداشته و به نقد آن پرداخته‌اند. تقلید و یا تلفیق عناصر و نمادهای هویتی شرق و غرب نه تنها در سطح معماری و شهرسازی بلکه حتی در سطح فرهنگ نیز مورد توجه سفرنامه‌نویسان واقع شده است. همان‌طور که مطرح شد، جایی که تقلید صرف وجود داشته با بی‌اعتنایی سفرنامه‌نویس مواجه شده و در موارد تلفیق به غلبه عناصر و نمادهای شرقی اذعان شده است. چنین تقلید یا تلفیقی که پیامد گسترش روابط کشور با اروپا و توجه حاکمان به آنجاست، بر آداب و رسوم مردم نیز اثرگذار بوده و منجر به از بین رفتن و یا تغییر چنین آداب و رسومی شده به طوری که باید آداب و رسوم اصیل ایرانی را در شهرستان‌ها یافت.

یکی دیگر از مواردی که در بازنمایی شهرهای استان تهران در سفرنامه‌ها بدان اشاره شده، مقایسه تهران با سایر شهرهای داخلی و یا خارجی است که می‌تواند مبنایی برای اتخاذ رویکرد

مثبت یا منفی سفرنامه‌نویسان باشد. سفرنامه‌نویسانی مانند ماسهارو تقریباً در بازنمایی بیشتر بخش‌های تهران، به معادل آن در ژاپن نیز توجه داشته و بر اساس مقایسه این دو شهر به بازنمایی تهران پرداخته است. همین‌طور براون نیز از جمله نویسندگانی است که بازنمایی او از تهران متأثر از مقایسه‌هایی است که او از این شهر با شهرهایی مانند اصفهان با معماری غنی خود انجام داده است.

با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان چهار کلان‌گفتمان سفرنامه‌نویسان را در بازنمایی عناصر هویت‌بخش استان تهران استخراج کرد که در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱: کلان‌گفتمان‌های سفرنامه‌نویسان در بازنمایی نمادهای هویتی استان تهران

در مجموع، بازنمایی استان تهران در سفرنامه‌ها گاهی با دوئیت‌های شرق در برابر غرب، مناطق بالای جامعه در برابر مناطق پایین جامعه و یا شهر تهران در برابر شهرهای دیگر استان، کشور یا حتی جهان صورت گرفته است. در دوئیت شرق و غرب، سفرنامه‌نویسان در مواجهه با غرب شروع به انتقاد و سؤال از چرایی استفاده از الگوهای آن کرده‌اند. در بازنمایی دوئیت بالا و پایین شهر تهران نیز مناطق بالای شهر تهران با ویژگی‌های مثبت و دلپذیر در برابر جنوب آلوده و پرپیچ و خم قرار گرفته و درنهایت تهران به دلیل مرکزیت، به عنوان شهری شگفت‌انگیز در برابر شهرهای دیگر قرار می‌گیرد و بازنمایی بیشتر آن توجه کمتر به پیرامون آن را ایجاد می‌کند.

منابع

- آنه، کلود (۱۳۷۰)، گل‌های سرخ اصفهان (ایران با اتومبیل)، ترجمه فضل‌الله جلوه، تهران: نشر روایت.
- ابودلف (۱۳۴۲)، سفرنامه ابودلف در ایران (در سال ۳۴۱ هجری)، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، بی‌جا: تهران.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳)، سفرنامه اورسل، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- اویس، مهین (۱۳۷۹)، فرهنگ ایران در سفرنامه‌های اروپایی دوره قاجار، شیراز: نوید شیراز.

- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۹)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ماه ریز.
- بروگش، هینریش (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب دومین سفرنامه هینریش تصویری از ایران سده نوزدهم، ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز.
- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۷)، هویت شهر (نگاهی به هویت تهران)، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- پناهی، عباس (۱۳۸۸)، «بازتاب فرهنگ و اجتماع ایران در سفرنامه‌های اروپاییان»، کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۳: ۶۱-۶۹.
- پولاک، ادوارد (۱۳۶۱)، سفرنامه ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- جکسن، ا.و. ویلیامز (۱۳۵۲)، ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۹)، «خاطره زیربنای هویت شهر است»، در سایت: <http://www.fasleno.com>
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- دهقان‌نیری، لقمان و عبداللهی، منیره (۱۳۹۰)، «وضعیت شهر تهران در عصر ناصری از دید سفرنامه نویسان خارجی»، تاریخ پژوهی، شماره ۴۸: ۱۰-۱۵.
- رابرتسون، رولند (۱۳۸۲)، جهانی شدن تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- روزن، کنتس مادفون (۱۳۶۳)، سفری به دور ایران، ترجمه علی محمد عبادی، تهران: پازنگ.
- ژویر، پیرآمده‌امیلین پروپ (۱۳۴۷)، مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علیقلی اعتمادمقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سدیدالسلطنه (۱۳۶۲)، سفرنامه سدیدالسلطنه، تهران: بهنشر.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳)، مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه غلام‌رضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- سکویل-وست، ویتا (۱۳۷۵)، مسافر تهران، ترجمه مهران توکلی، تهران: نشر پژوهش‌فرزان.
- صادقی، محسن (۱۳۸۲)، «حضرت عبدالعظیم (ع) و شهرری در سفرنامه‌ها»، آینه پژوهش، شماره ۸۰: ۹۴-۱۰۰.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۰)، مطالعات جهانی شدن: دوفضایی شدن‌ها و دوجوانی شدن‌ها، تهران:

- فریزر، جیمزبیلی (۱۳۶۴)، سفر زمستانی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.
- فیودورکوف، بارون (۱۳۷۲)، سفرنامه بارون فیودورکوف، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران: فکرروز.
- کروسینسکی (۱۳۶۹)، ده سفرنامه یا سیری در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی راجع به ایران، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: وحید.
- گلزاده‌عسگری، رضا (۱۳۸۴)، اوضاع اجتماعی تهران عهد ناصری از نگاه سیاحان اروپایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی.
- گوینو، ژوزف‌آرتور (۱۳۸۸)، سه سال در ایران، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: چاپخانه سیروس.
- لیدی‌شیل (۱۳۶۲)، خاطرات لیدی‌شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳)، سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه هاشم رجب‌زاده، انتشارات آستان قدس رضوی.
- محرمی، محمد (۱۳۸۹)، «سفرنامه»، در سایت: <http://adab.tebyan.net>
- نوربخش، مسعود (۱۳۸۰)، تهران به روایت تاریخ، تهران: علم.
- وگت، کاری (۱۳۷۷)، سفر به ایران، ترجمه وحید صابری‌مقدم، تهران: کمیل.
- هال، جیمز (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- هالینگبری، ویلیام (۱۳۶۳)، روزنامه سفر هیئت سرجان‌ملکم به دربار ایران، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.
- هژبری، محمد و فرجی، احمد (۱۳۸۶)، ملارد، شهری در خاطرات و یادها، بی‌جا.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۲)، انسان و نمادهایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر.
- Altman, Irwin and Low, Setha M (1992), **Place attachmen**, Plenum Press: New York.
- Ameli, Saeed Reza (2002), **Globalization, Americanization and British Muslim Identity**, ICAS Press: London.
- Assmann, Jan and Czaplicka, John (1995), "Collective Memory and Cultural Identity, New German Critique", **Cultural History/Cultural Studies**, No 65: 125-133.
- Brockmeier, Jens (2002), " Remembering and Forgetting: Narrative as Cultural Memory", **Culture & Psychology**, No8 (1): 15-43.
- Cetin, Murat (2010), " Transformation and Perception of Urban form in Arab City", **International Journal of Civil & Environmental Engineering IJCEE-IJENS**, No10 (4): .
- Colombijn, Freek (1993), The power of symbols in the urban arena: the case of Padang (West Sumatra), In peter.J.M. Nas, **Urban symbolism**, E. J. Brill: Netherlands.

- Cooke, Bernard and Macy, Gary (2005), **Christian symbol and ritual: an introduction**, Oxford University Press, Inc: New York.
- Crisp, Peter (2005), “Allegory and symbol – a fundamental opposition”, **Language and Literature**, No 14 (4): 323–338.
- Cross, Jennifer E (2001), what is sense of place, **12th headwaters conference**, western state college.
- Erhan, Kurtarir and Et Al (2006), Spatial and cultural impact assessment of symbol replacement in Istanbul, **42nd ISoCaRP Congres**, Istanbul.
- Giddens, Anthony (2001), **Sociology: 4th Edition**, Polity Press: Cambridge.
- Hernandez, Bernardo and Et Al (2007), “Place attachment and place identity in natives and non-natives”, **Journal of Environmental Psychology**, No 27: 310-319.
- Hidalgo, M. Carmen and Hernandez, Bernardo (2001), “Place attachment: Conceptual and empirical questions”, **Journal of Environmental Psychology**, No 21: 273-281.
- Knox, Paul and Marston, Sallie A (2004), **Human Geography: Places and Regions in Global Context**, Pearson Education, Inc: Upper Saddle River NJ.
- Lalli, Marco (1992), “Urban-related identity: theory, measurement and empirical findings”, **Journal of Environment psychology**, No12: 285-303.
- Lappegard, Hauge Ashild (2007), “Identity and place: a critical comparison of three identity theories”, **Architectural Science Review**, No50:44-51.
- Lewicka, Maria (2008), “Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past”, **Journal of Environmental Psychology**, No 28: 209–231.
- Tolman, Edward Chace (1948), “Cognitive maps in rats and men”, **Psychological Review**, No 55: 189-208.
- Twigger-Ross, Clare L, & Uzzel, David L (1996), “Place and identity processes”, **Journal of Environmental Psychology**, No16: 205–220.
- Willis, Paul (2010), “Sým-bolon: Symbol--action—context”, **Ethnography**, 11 (1): 3–23.
- Yuen, Belinda (2005), “Searching for place identity in Singapore”, **Habitat International**, No 29: 197–214.